

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۵/۱۰

نویسنده: ن. جلیل زاد

خانم پاکستانی،



خانم پاکستانی

پیش از آنکه درباره افغانستان سخن بگویید، بهتر است نخست در آینه واقعیت به کشوری نگاه کنید که خودتان از آن برخاسته‌اید.

کشوری که نه بر اساس تاریخ، هویت یا تمدن، بلکه بر اساس یک «طرح مهندسی سیاسی» در اتاق‌های وزارت مستعمرات بریتانیا ساخته شد. کشوری که از روز نخست، نه بر پایه ملت، بلکه بر پایه «نیازهای امپراتوری» تعریف شد. این حقیقت تلخ شاید برای شما سنگین باشد، اما واقعیت را نمی توان با شعار پوشاند.

افغانستان را با چنین ساختار پوسیده و گندیده و لرزانی (پاکستان) مقایسه کردن، نه فقط اشتباه، بلکه نوعی نادانی تاریخی است.

افغانستان سرزمینی است که ۵۰۰۰ سال تاریخ پیوسته دارد، سرزمینی که امپراتوری‌ها از آن گذشته اند، اما خود این سرزمین باقی مانده است.

افغانستان پیش از آنکه بسیاری از کشورها حتی نامی داشته باشند، تمدن ساخته، فرهنگ آفریده و تاریخ نوشته است. این سرزمین با خون، با مقاومت و با هویت ساخته شده.

در مقابل، کشوری که شما از آن دفاع می کنید، (پاکستان)، امروز در یکی از بحرانی ترین مراحل تاریخ خود قرار دارد:

بحران اقتصادی، بحران مشروعیت سیاسی، بحران امنیتی، بحران هویتی، بحران روابط قومی، و بحران اعتماد عمومی.

این‌ها تحلیل شخصی نیست، گزارش‌های رسمی جهانی است.

کشوری که هنوز پس از هفت دهه نتوانسته تعریف کند «ملت چیست»، «هویت چیست» و «مرزهایش بر چه اساسی است»، بهتر است پیش از سخن گفتن درباره دیگران، تکلیف خودش را روشن کند.

خانم پاکستانی

شما نگران افغانستان نباشید.

افغانستان از آزمون‌هایی گذشته که اگر یک صدم آن بر کشور (انگلیس ساخته ای) شما وارد می شد، امروز اثری از آن باقی نمی ماند.

افغانستان از حمله اسکندر تا مغول، از استعمار انگلیس تا جنگ‌های نیابتی، همه را پشت سر گذاشته و هنوز ایستاده است.

زیرا افغانستان را تاریخ ساخته، نه استعمار.

اما کشور شما، که محصول مستقیم سیاست «تقسیم کن تا حکومت کنی» است، امروز با پرسش‌های بنیادی روبه روست:

آیا می تواند بدون کمک خارجی دوام بیاورد؟

اگر جیره ای اردوی قاتل و بی رحم تانرا واشنگتن و لندن نپردازد، می دانی که چه می شود؟

آیا می تواند بحران‌های داخلی خود را مدیریت کند؟

آیا می تواند هویت مشترک بسازد؟

آیا می تواند از فروپاشی اقتصادی جلوگیری کند؟

آیا می تواند روابط قومی را بدون خشونت حل کند؟

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی

این ها پرسش هایی است که پاسخ روشن ندارد، و این دقیقاً نشانه یک ساختار مصنوعی است. پس لطفاً به جای نسخه نویسی برای افغانستان، به همان کشوری فکر کنید که امروز در مرزهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود در حال فروپاشی است. افغانستان نیازی به دلسوزی شما ندارد. سرزمینی که پنج هزار سال دوام آورده، با یک قرن بحران از پا نمی افتد. اما کشوری که تنها ۷۵ سال عمر دارد و نیمی از آن درگیر فروپاشی است، باید نگران آینده خودش باشد، نه آینده دیگران. افغانستان می ماند، چون ریشه دارد. اما کشورهای که ریشه ندارند، دیر یا زود به خاک برمی گردند. بار دیگر تاکید می کنم. خانم پاکستانی، مشکل اصلی شما این نیست که افغانستان را نمی شناسید، مشکل این است که خود واقعیت کشور خودتان را هم نمی شناسید. کشوری که هنوز پس از هفت دهه نتوانسته هویت مشترک بسازد، امروز برای کشوری با پنج هزار سال تاریخ نسخه نویسی می کند. این دقیقاً همان جایی است که انسان نمی داند باید بخندد یا تأسف بخورد. شما از کشوری سخن می گوید که در هر ده سال یک بار از درون می لرزد، نه به خاطر دشمن خارجی، بلکه به خاطر تناقضات داخلی، ساختارهای مصنوعی و بحران های حل نشده تاریخی. کشوری که هنوز نمی داند «ملت» چیست، «مرز» چیست و «هویت» بر چه پایه ای استوار است، بهتر است پیش از پرداختن به به کهن میهن من افغانستان، به ریشه های پوسیده و گندیده ای خودش نگاه کند. افغانستان نیازی به نصیحت شما ندارد. سرزمینی که از حمله اسکندر، چنگیز، تیمور، استعمار انگلیس، شوروی و ناتو آمریکا و جنگ های نیابتی عبور کرده و هنوز ایستاده است، با چند جمله سطحی و بی مایه شما تکان نمی خورد. افغانستان را تاریخ ساخته، نه استعمار. افغانستان را مردم ساخته اند، نه میزهای وزارت مستعمرات. اما (پاکستان انگلیس ساخته) ، کشور شما ، که محصول مستقیم سیاست «تقسیم کن تا حکومت کنی» است، امروز در وضعیتی قرار دارد که هر تحلیل گر بی طرفی آن را در فهرست کشورهای در معرض فروپاشی حتمی قرار می دهد. فرو ریزی سرنوشت محتوم کشور شما است. این واقعیت تلخ شاید برای شما سنگین باشد، اما حقیقت همیشه سنگین است. پس لطفاً پیش از آن که درباره افغانستان سخن بگویید، به همان کشوری فکر کنید که امروز با بحران اقتصادی، بحران مشروعیت، بحران امنیتی، بحران قومی و بحران هویتی دست و پنجه نرم می کند. کشوری که هنوز نمی داند فرمایش چگونه خواهد بود، حق ندارد درباره کشوری سخن بگوید که پنج هزار سال دیروز دارد و ده هزار سال فردا خواهد داشت. افغانستان می ماند، چون ریشه دارد. اما ساختارهای مصنوعی، دیر یا زود فرو می ریزند.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد